

سرمقاله

کندز، بزرگترین آزمون برای دولت و مردم

محمد رضا هویدا

سقوط کندز نقطه عطفی در کارنامه حکومت وحدت ملی است. کندز یک ولایت استراتژیک نه تنها برای دولت افغانستان بلکه برای کشورهای همسایه نیز به حساب می آید. گرچه دولت افغانستان به خاطر اینکه از سنگینی بار خود بکاهد، در ابتدای سال به مردم هشتاد داده بود که این سال، سال سختی از نظر امنیتی خواهد بود و مردم باید منتظر حوادث دشواری باشند، اما این بدان معنا نبود که مردم منتظر سقوط ولایات به دست طالبان باشند. اگر به نظر خواهی ها و گفتگوها با مردم در رسانه های گروهی گوش دهید و یا حتا خود از مردم در شهر و بازار بپرسید، خشم مردم از سقوط کندز را در به خوبی می توانید درک کنید. این خشم نه به خاطر این است که کندز در یک جنگ سقوط کرده باشد، و یا بعد از محاصره ای طولانی تاب مقاومت نیاورده باشد. خشم از این است که کندز به گونه ای مشکوکی سقوط کرده است که باورش برای مردم، همین کسانی که فرزندانشان در اردو و پولیس ملی علیه طالبان و داعش می جنگند، سخت و سنگین است.

حملات طالبان بدین گونه که در کندز و غزنی دیده ایم، برای مردم افغانستان قابل باور نیستند. حملات طالبان در غزنی و کندز که در نهایت مدها طالب را از زندان فراری دادند و نیروهای امنیتی را کاملا غافلگیر ساختند، و طالبان به راحتی به اهداف شان رسیدند، برای بسیاری از کارشناسان و حتا شهروندان هادی کشور، بدون کار و هماهنگی نفوذی های دشمن در میان صفوف نیروهای دولتی امکان پذیر نیست و علاوه بر این، نفوذی ها حتما در سطوح مختلف و خصوصا در سطوح بالای اداری و محلی باید قرار داشته باشند.

اصولا، دولت در چنین حالتی که یک ولایت در معرض سقوط قرار می گیرد و طالبان به طور ناچوانمردانه ای قتل و غارت و انتقام گیری را در یک ولایت به طور سیستماتیک راه اندازی می نمایند، باید وضعیت خاص اعلام نموده و تمامی امکانات و نیروها برای نجات آن ولایت از چنگ طالبان به کار گرفته می شود. دولت می بایست عوامل سقوط این ولایت را در زودترین فرصت شناسایی و به محاکمه می کشاید. جلو نفذات انسانی و مالی به هر صورتی گرفته می شد و به از تمامی نیروها و قراردادهایی که می توانست به حل بحران کمک کند می بایست استفاده می شد. اما آن گونه که دیده می شود، بی نظمی ها و عدم هماهنگی در میان دولتمردان در سطوح مختلف دیده می شود و چنان می نماید که دولتمردان از به وجود آمدن این بحران شوکه نشده اند و آن را طبیعی می پندارند.

بحران کندز، جدی ترین آزمون دولت وحدت ملی است که در سالگرد یک سالگی اش این حادثه رخ می دهد. فرصت برای حل بحران کندز زیاد نیست. اگر دولت نتواند با حرکتی سریع و کوبنده به حملات طالبان بر کندز پاسخ دهد و میزان خسارات مادی و معنوی بیشتر نشود و فاجعه کندز وسیع تر شود، دولت با پرسش ها و انتقادات جدی عموم مردم مواجه خواهد شد که مطمئنا وضعیت مناسبی برای دولت نخواهد بود.

نحوه پاسخ دولت به طالبان در کندز، در حقیقت ماهیت دولت وحدت ملی را نشان می دهد. دولت ملی در مقابل به همین بحران ها است که خود را تعریف می کند. آنچه تا کنون از این دولت دیده شده است، آن چیزی نیست که مردم افغانستان انتظار آن را داشتند و در شعارهای تیم های انتخاباتی رقیب می دیدند و بر اساس آن رای دادند و انتخاب کردند.

از سوی دیگر بحران کندز نه تنها برای دولت وحدت ملی که برای عموم مردم افغانستان نیز یک آزمون بزرگ است. مردم باید از طریقی برای رها سازی کندز و کمک به مردم کندز استفاده کنند. اهرم های فشار از سوی مردم بر نهادهای مسئول باید جدا فعال شود و مردم باید از قدرت خود برای کمک به هموطنان شان در کندز استفاده بپردازند.

عمر حکومت وحدت ملی یکساله شد. اما در این یک سال، مردم شاهد اصلاحات و تحول نبود. بیشتر شاهد مهاجرت گسترده جوانان، فرار سرمایه، گسترش قلمرو ناامنی، افزایش بیکاری، کاهش توان خرید مردم و ... بود. همه این ها برخلاف آن چیزی بود که دو کاندید پیشنشان انتخابات ریاست جمهوری در دوران کمپاین و کارزار انتخاباتی وعده داده بود. هر دو تیم از آوردن اصلاحات و تحول سبقت از هم ریزه بود. هر کدام، وعده های رنگین می داد. اکنون که یک سال، از عمر حکومت وحدت ملی گذشته، می توان کارکرد های آن را بررسی کرد و خلاء ها را گوشه کرد. نگارنده در همین روزنامه کارکرد و عملکرد حکومت وحدت را در یک سال گذشته را به بررسی گرفته بود. در این نوشتار خلاء ها و دلایل ناکامی حکومت وحدت ملی را در عرصه های مختلف به بحث می گیرم.

مهمترین مسئله بسی توجهی نخبگان سیاسی به مقوله امنیت بوده است. گسترش ناامنی ناشی از سیاست حکومت در قبال گروه های دهشت افکن و تروریست بوده است. با روی کار آمدن حکومت جدید تاکیذ زیاد بر سرعت بخشیدن پروسه صلح به منظور آوردن ثبات و صلح در کشور شد. راهی که حامد کرزی برای چندین سال دنبال کرده بود اما نتیجه ای به دست نیاورده بود. با وجود نشست و پیرو با نمایندگان گروه طالبان اما، گفتگو دوام پیدا نکرد و یکباره امیدواری و خوش بینی سران حکومت وحدت ملی به پاس و ناامیدی تبدیل شد. خلاء جدی در این میان این بود که در کنار پیشبرد پروسه صلح اراده ای برای پاسخ دهی به حملات گروه طالبان وجود نداشت. در نبود اراده سیاسی برنامه و استراتژی نظامی نیز تدوین نشد. بر خلاف حکومت وحدت ملی، گروه طالبان در کنار پیشبرد پروسه صلح و حاضر شدن به نشست و پیرو با حکومت افغانستان سیاست های تهاجمی خود را حفظ کرد و هر از چند گاهی از لانه های خود بیرون آمده و حملات را سازماندهی نمودند. این یک واقعیت تلخ است که حکومت برنامه ای برای پاسخ و قلع و قمع کردن گروه طالبان نداشتند. اکنون که پروسه صلح با گروه طالبان به بن بست رسیده است، حکومت تاگزیر است با این گروه مبارزه نماید. زیسر، راهی جز مبارزه و مقابله این گروه را ندارد. اگر دست روی دست بگذارد، گروه طالبان ولسوالی ها و ولایت ها را یکی پس از دیگری می گیرد. گروه طالبان قبلا تنها قادر به حمله

به ولسوالی ها بود. اکنون، آن قدر قدرتمند شده است که بر ولایت حمله می کند و کنترل یک ولایت از دست حکومت خارج کرده و کنترل آن را به دست می گیرد. اگر حکومت وحدت ملی بیش از این چشم امید به پروسه صلح ببندد، گروه طالبان قدرتمند تر خواهد شد و حکومت در آن صورت مجبور تنها بر حاکمیت کابل و برخی ولایات همچوار آن دلخوش نماید. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی گزارش های موق و وجود داشت که داعش در افغانستان آمده و در حال نیروگیری است. اما حکومت این گروه را در نطفه خفه نکرد. گناشت تا بزرگ و بزرگتر گردد. اکنون که این گروه بزرگ شده است و

جنگ در دو جبهه و تعلیق آوردن اصلاحات و تحول

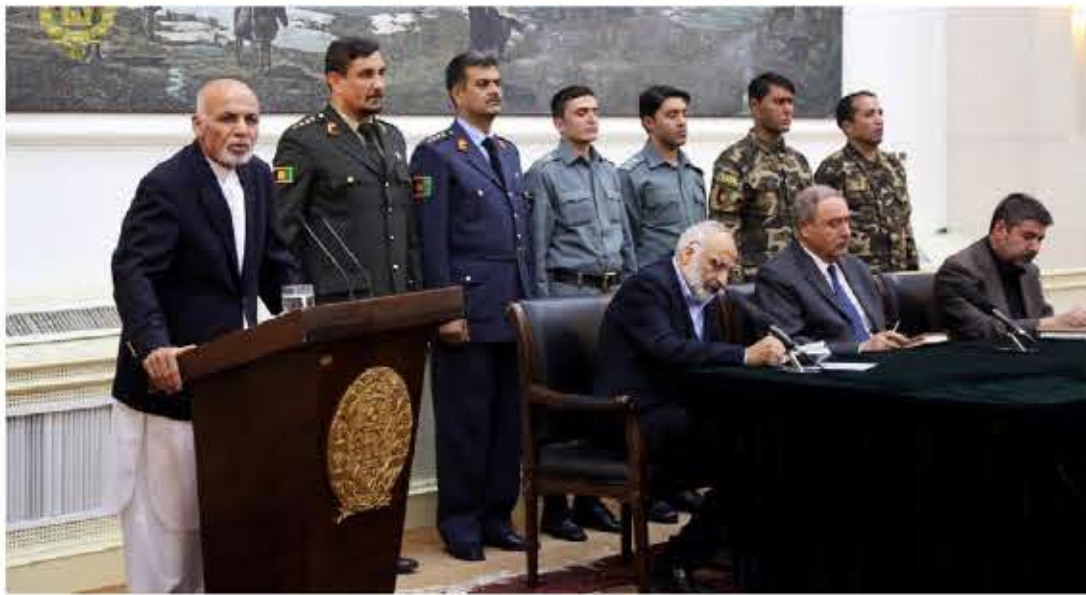
علی قادری



اولین حمله خود در برابر نیرو های امنیتی کشور آغاز نموده است، سران حکومت در صدها سرکوب این گروه است. با این حال، عملکرد حکومت نشان می دهد که حکومت نمی خواهد این گروه را به شدیدترین وجه ممکن سرکوب نماید. روز یکشنبه بر مواضع گروه داعش در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار حمله نمود و آن ها را متواری ساخت و در زمان کم آن ها دوباره نیرو های خود را سازماندهی کرده و دوباره بر این ولسوالی حمله کرده است. این می رساند که حکومت در پی ضربه زدن است. بر این گروه نیست که این گروه در کمترین زمان پس از سرکوب دوباره سر بر می کشد و قصد تصاحب یک ولسوالی

قاطعیت طالبان و سر در گمی در موضع گیری های دولت

عبدالرحمن فهیمی



حمله های را به منظور سرکوب و ریشه کن کردن تروریست ها آغاز نکرده است. فقط زمان که ولسوالی از دست حکومت سقوط کرده است نیروهای تازه نفس فرستاده شده و ولسوالی را باز پس گرفته اند. طالبان، هراس زدایی و جلب همکاری از زمان پیدایش گروه طالبان در ده های نود میلادی این بحث به صورت گسترده مطرح بوده که این گروه پروژه ای سیاسی - اقتصادی راه اندازی شده از سوی دولت های قدرتمند غربی و برخی از دولت های منطقه ای می باشد. هدف آن نفوذ در آسیای مرکزی، تسلط بر حوزه استراتژیک که برای روسیه به مثابه حیات خلوت می نماید و برای چین نیز مهم است و نیز دست یابی به منابع طبیعی و معدنی این منطقه است. با انتقال حوزه جغرافیایی جنگ از جنوب به شمال، این تحلیل ها با قوت بیشتر مطرح شده است. ظاهرا که رهبری گروه طالبان نیز حیاتی بودن این بحث را درک کرده و در تلاش هراس زدایی و در نهایت جلب همکاری دولت های آسیای مرکزی شده اند. جدیدا سلا اختر محمد منصور، پیام را منتشر کرد. گذشته از بخش ها و زوایای دیگر آن پیام، مخاطب یک بخش آن کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و احتمالا چین بود. منصور تصریح کرد که هدف گروه طالبان دولت های آسیای مرکزی نیست بلکه فقط در دست گرفتن قدرت در افغانستان خواهد بود. به نظر می رسد، منصور از طریق این پیام در پی دو بحث است. نخست این که

مرتفع و غارها فرار کرده باشند. در این صورت پس از این که جنرال با دار دو ستهی نظامی اش به کابل بازگردد، طالبان وارد عمل شده و وضعیت همان شود که پیش از این بود. جنرال با هیاهو و در میان اتبوه از استقبال گران به کابل برگشت. اما اندک پس از بازگشتش گزارش های از بازگشت و حمله های طالبان به گوش می رسید. تا این که دو سه روز پیش ویدیویی از سوی تروریست ها نشر شد که جنرال را به جنگ در کندز دعوت می کرد. آن ها به جنرال گفته بودند که کندز قاریاب نیست و اگر به کندز بیایید درس خوبی خواهیم داد. بامداد روز گذشته شهروندان کشور به ویژه آن های که به رسانه های همگانی و شبکه های ارتباطی اجتماعی دسترسی دارند، ساعت های نخست روز را با شنیدن خبر حمله طالبان مسلح به شهر کندز آغازگر شدند. گروه طالبان اداره شهر کندز را در دست گرفته و پیشروی کرده اند. تا زمان نگارش این متن وضعیت کندز بحرانی بود و چندان امیدواری هم وجود نداشت که به زودی کنترل شهر دوباره از دست طالبان باز پس گرفته شود. به هر صورت به نظر می رسد که جهت جنگی گروه طالبان تغییر کرده و این گروه متأسفانه موفقیت های را نیز کسب کرده است. آن ها اکنون به تهدید استراتژیک نیز تبدیل شده اند. حکومت تا به حال توجه جدی به وضعیت نکرده است. ماهیت نبرد نظامیان دولتی دفاعی بوده و هیچ گاهی

می بینند، بیش از همه نگران وضعیت امنیتی شده و هشدارهای را به دولت مطرح کردند. حتی گزارش های تأیید نشدهی نشر و پخش گردید که میان این سه چهره ی سیاسی قدرتمند در سمت شمال، ائتلاف و توافق سیاسی صورت گرفته و زمین پس هواداران این ها با هم آهنگی و اتحاد در برابر گروه های تروریستی می رزمند. اما در دنیای عمل و واقعی ردهای از این ائتلاف و توافق سیاسی به چشم نخورد و تنها جنرال دوستم مدت ها میدان های جنگ، دست ها و کوه های شمال را بر کاخ مجلس و مرفه صدارت عظمی ترجیح داد و رفت. او اعلام کرد که به اجازه ی رئیس جمهور به شمال سفر کرده و در صدد مدیریت و رهبری فرایند مبارزه ی نیروهای نظامی کشور در برابر تروریست ها و برهم زندگان امنیت خواهد بود. جنرال به علت پیشینه ای نظامی و سیاسی اش و باتوجه به قدرت فرمان دهان پیشین جهادی، از سوی برخی ها متهم به ملیشه سازی شد. اما او با این که هر روز به اتهام ها پاسخ می داد و رد می کرد، به نبردش در برابر گروه طالبان و تروریست ها ادامه داده و برای مردم صلح و امنیت را به ارمغان آورد. در حال که جنرال، هواداران اش و مردم عاشق امنیت و صلح، خوش حال بوده و احساس آرامش می کردند، نگرانی ها و این بود که ممکن است گروه طالبان و تروریست ها به خود توان مقاومت در برابر جنرال را ندیده و به امانه های کوه های

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیر این: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: مهدی صالحی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷



افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN